

### نیم‌احمدپور

در روزهایی که بر ما گذشت برای یکی از دانشی‌مردان والامنش این سرزمین، یعنی فقید سعید دکتر حسن احمدی گیوی محفل بزرگداشتی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران برگزار شد. زنده‌یاد احمدی گیوی از ادبا و دست‌نویسان شاخص زبان فارسی در دوران معاصر بود که در این حوزه آثار ارجمندی از خود بر جای نهاد.

گفت و شنود مکتوبی که از آن بزرگوار پیش روی درید، پیشینه ایرانیان را در نهضت تولید علم، قبل و بعد از اسلام مورد کاوش قرار داده و فصول مهم آن را به بازخوانی نشسته است. با عنایت به نامگذاری سال جاری به «فرهنگ» از سوی رهبری معظم انقلاب، مروری بر این دست آثار و پژوهش‌ها می‌تواند مفید و مؤثر باشد. امید آنکه مقبول افتد.

■ ■ ■

برای سخن گفتن از نقش ایرانیان در باروری تمدن و فرهنگ، لاجرم باید مقدماتی طی شود و از آن جمله، این دو عنوان باید مورد تعریف قرار گیرد. طبعاً ما هم گفت‌وگو را از این نقطه آغاز می‌کنیم که از منظر جنابعالی مفهوم تمدن و فرهنگ چیست و چگونه می‌توان آنها را فهم کرد؟

به نام خدا. همانطور که اشاره کردید، از تمدن و فرهنگ تعاریف گوناگون دیده می‌شود، که ناگزیر هستیم در آغاز به تعاریف شاخص آنها اشاره کنیم. از جمله در تعریف تمدن گفته شده است: تمدن عبارت از نظمی اجتماعی است که بر اثر خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می‌شود. تمدن یا مَدَنیت (civilization) بر سازمان اجتماعی، نظام اخلاقی و فعالیت فرهنگی اطلاق می‌شود. تمدن عبارت است از مجموع تدابیری که افراد اندیشمند و هوشمند بشر از ابتدا تا امروز برای رفیع نیازمندی‌های خود اندیشیده‌اند و هم اکنون نیز می‌اندیشند. تمدن، همکاری افراد یک جامعه است در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و جز آن.

واژه فرهنگ نیز مرکب است از «فر» که پیشاوند و «هنگ» که از ریشه «تنگ» اوستایی گرفته شده و به معنی «کشیدن» و «فرهختن»، یعنی تربیت کردن و ادب آموختن» است. واژه فرهنگ در زبان فارسی به معنی مجموعه علم، ادب و فضل به کار رفته است. چنان که فردوسی می‌گوید:

تو دادی مرا فَرّ و فرهنگ و رای

تو باشی به هر نیک و بد رهنمای <sup>(۱)</sup>

و اسدی طوسی می‌گوید:

به فرهنگ پرور چو داری پسر

نخستین نویسنده کن از هنر <sup>(۲)</sup>

نیز به معنی عقل و خرد به کار رفته است. سعدی می‌گوید:

هر چه خواهی کن که ما را با تو روی جنگ نیست
پنجه با زور آما فکندن از فرهنگ نیست <sup>(۳)</sup>

یعنی پنجه در پنجه قدر تمدن از عقل و خرد نیست، درست است؟

همچنین فرهنگ به معنی تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش) نیز به کار می‌رود، چنان که پیش از این وزارت آموزش و پرورش را وزارت فرهنگ می‌نامیدند و نیز به معنی کتاب لغت استعمال هم می‌شود، چنان که شادروان دکتر محمد معین کتساب لغت خود را فرهنگ فارسی نامیده است. علاوه بر اینها فرهنگ در مفهوم culture معمول شده که در این مقام، منظور ما از واژه فرهنگ مفهوم نیز همین است و آن عبارت است از: هنسه آداب و رسوم سنت‌ها، اسطوره‌ها و هنرهای ملتی که جنبه‌های فکری و معنوی تمدن را تشکیل می‌دهد و این آداب و رسوم سنت‌ها و هنرها هم است از رسمی یا فولکلوریک به عبارت دیگر فرهنگ جلوه‌های گوناگون شعور، فیهم و ذوقیات ملتی را در دوره تاریخ نشان می‌دهد. بنابراین فرهنگ شامل زبان، ادبیات، موسیقی، مذهب، فلسفه، عرفان، آداب حکومت، سنت‌ها، آداب و رسوم ملی و محلی (اعیاد، جشن‌ها و جز آنها) عادات و اخلاق اجتماعی، قصه‌ها و… ترانه‌ها، باورها، پندارها، جنبه‌های هنری و صوری معناری و صنایع دستی و جز آنهاست.

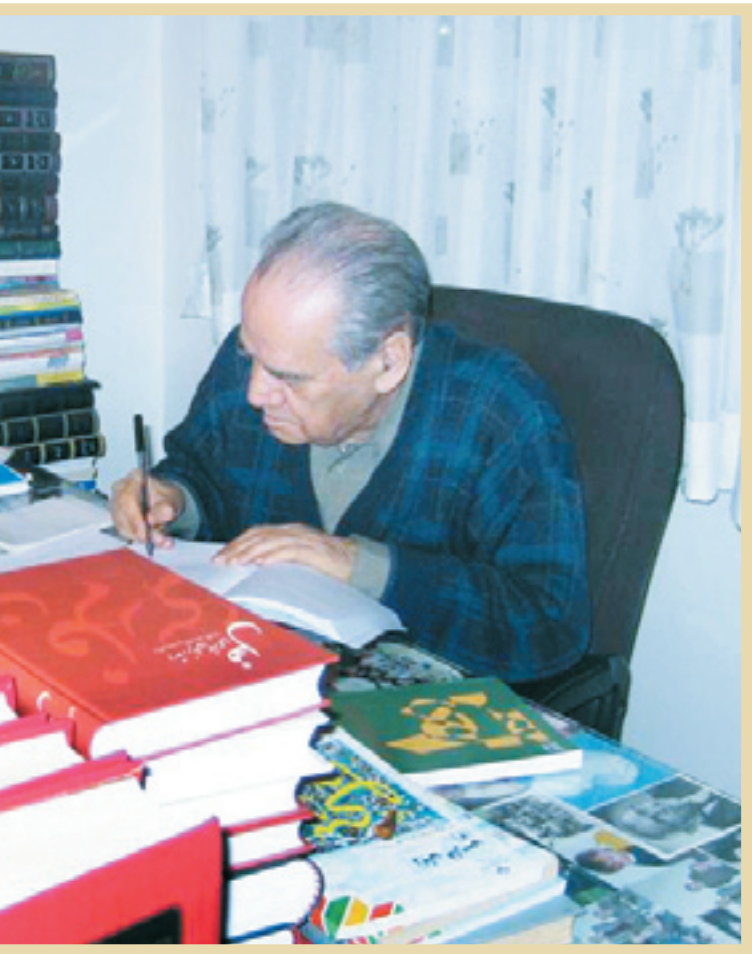
**قاعدتاً مراد جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان از مقوله «فرهنگ» نیز همین است؟**

بله، در نظر مردم‌شناسان، فرهنگ به همه مظاهر زندگی اطلاق می‌شود، با این تعبیر هر شیء، اثر، رسم و اندیشه‌ای و هر شیوه بیان و رفتاری که به جامعه مربوط باشد جزو فرهنگ است. جنبه‌های مادی و معنوی فرهنگ به هم پیوسته‌اند و هیچ یک از آنها از روح، فکر و معنویتیی خارج نیستند. مثلاً ما مصالح ساختمانی را جزو فرهنگ نمی‌دانیم، ولی ساختمان و طرز معماری آن را جزو فرهنگ می‌شماریم. <sup>(۴)</sup>

**می‌رسیم به موضوع اصلی سخن که عبارت است از تأثیر ایرانی‌ها در پیشبرد و نوزایی تمدن و فرهنگ. جنابعالی با اتکا به مطالعات و تحقیقات خود این تأثیر را چگونه می‌بینید؟**

می‌دانیم که هیچ دانشی در جهان، به دست یک فرد یا یک ملت پیدا نشده و یکباره تکامل پیدا نکرده، بلکه همه علوم و فنون به‌وسیله افراد و ملت‌های گوناگون و به‌تدریج گسترش یافته و به کمال رسیده است، اما نقش اقوام و ملت‌ها در پیدایی و پیشرفت دانش‌های بشری همسان و هم‌ارز نیست. برخی از آنها در این راه سهم بیشتر و برخی دیگر سهم کمتری دارند.

به واقع باید گفت که ملت ایران یکی از ملت‌هایی است که با سابقه طولانی تمدن، فرهنگ و تاریخ خود در تحول و تکامل دانش‌ها نقش مؤثر و ارزنده‌ای داشته است. علاوه بر اینکه در شاهنامه و دیگر افسانه‌ها و داستان‌های ملی ما کشف و اختراع بسیاری از کشفیات نخستین زندگی بشر مانند کشف آتش،



## «فرهنگ، تمدن و تأثیر ایرانیان در تحول و ارتقای آن» در گفت و شنود با دکتر حسن احمدی گیوی

# ایرانیان پیشرو اقوام در علم و فرهنگ بوده‌اند

دعوت منصور دوانیقی خلیفه عباسی بدانچا روی می‌آوردند و به تدریس و تعلیم می‌پردازند.

**آنچه جنابعالی به آن اشاره فرمودید مربوط است به شرابعلی که در آن دوره تاریخی، در داخل ایران حکفرما بوده است. ایرانیان در آن ادوار، در خارج از ایران چه نقشی در ارتقا و تحول و تکامل علوم داشته‌اند؟**

علاوه بر جندی شاپور که تا قرن دوم و سوم هجری دایر بوده است، در داخل و خارج از مرزهای کشور هم برخی از ایرانیان که به مذهب مسیح گرویده و با زبان سریانی سر و کار داشته‌اند، آثار خود را بیشتر به زبان سریانی تألیف کرده‌اند و در مدارس رها، نصیبین، سلوکیه، دیرها و کلیساهای الجزیره و سواحل فرات پژوهش‌ها، نوشته‌ها و ترجمه‌های ارزنده و سودمندی عرضه داشته‌اند.

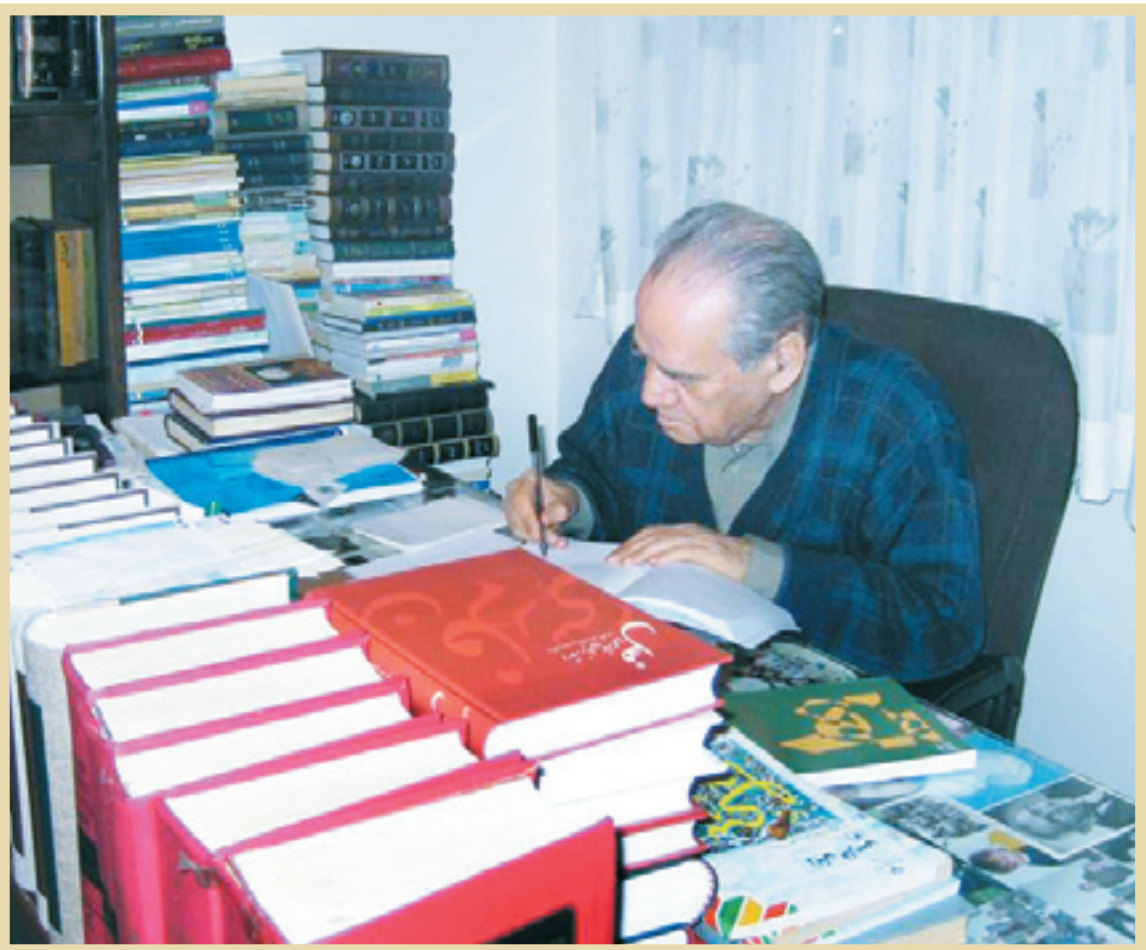
**با عنایت به پیشرو بودن ایرانیان در مواردی که مورد اشاره جنابعالی قرار گرفت، دوره آغاز و اوج دسترسی ایرانی‌ها به این دانش‌ها در چه مقاطعی از تاریخ می‌بینید؟ آنها در چه بخشی از پیشینه ایرانی‌ها قابل رصد هستند؟**

ایرانی‌ها پیش از دوره ساسانی، بر اثر ارتباطی که از خاور و باختر با ملت‌های بزرگ و متمدن آن روز مانند هندوان، بابلیان و ملل آسیای صغیر یافته و اطلاعی که خود از گذشته‌های بسیار دور دارا بوده‌اند، در علوم گوناگون مانند ریاضی و موسیقی پیشرفت‌هایی داشته‌اند. حمله اسکندر به ایران و ادامه حکومت جانشینان او وسیله‌ای برای آگاهی بیشتر ایرانیان از فرهنگ‌ها و تمدن یونانی می‌شود و دانشمندان ایرانی، مکتب سقراط، افلاطون و ارسطو را می‌شناسند. اما رونق بازار علم، یخگی و کمال تمدن و هنر ایران پیش از اسلام بیشتر به دوره ساسانیان مربوط است. توجه به علم و اهل علم، وجود دانشمندان و رواج دانش‌هایی از قبیل ریاضیات، نجوم و پزشکی در این عهد بیش از گذشته است. دانشگاه جندی شاپور که شاپور اول آن را در خوزستان بنیان می‌گذارد، به صورت مرکز بزرگ علمی و پژوهشی در می‌آید و استادان و پژوهشگران آن، علوم و فنون گوناگون را در غرب از یونان و در شرق از هند می‌گیرند و کتاب‌ها و نوشته‌های یونانی، هندی و سریانی را در زمینه علوم پزشکی، فلسفه، ریاضی و منطق به پهلوی برمی‌گرداندند و در گسترش و تکامل آنها گام‌های بلندی برمی‌دارند.

علاوه بر این، او علاوه بر دانشگاه در جندی شاپور بیمارستانی می‌سازد و پزشکان یونانی را برای تعلیم طب به ایران دعوت می‌کند. استادان و پزشکان این مرکز علمی و پژوهشی از تجارب طبی ملت‌های گوناگون مانند یونانیان، هندوان، اسکندرنیانی (نوافلاطونیان) بهره می‌گیرند و با تجربه‌ای که خود هموار می‌سازند. آرزو می‌کنم که در این مرز و بوم چراغ علم و خرد همواره روشن بماند و مردان دانش در جای جای آن حضوری مؤثر و فعال داشته باشند

# گفت‌وگو

گفت‌وگو، ۸۸۴۹۸۴۲۸



## درد

**اعراب در دوره جاهلی و حتی تا پایان نخستین سده اسلامی که حکومت و سیاست در دست آنها بود، با وجود ارزش و فضیلتی که آئین مقدس اسلام برای دانش و اهل دانش قائل بوده و هست، چندان توجهی به دانش نمی‌کردند، اما از وقتی که حکومت اموی بر افتاد و دولت عباسی به کمک ایرانیان روی کار آمد، ایرانیان در این دولت نفوذ عمیقی پیدا کردند و در حقیقت چرخ حکومت به نیروی فکری ایرانی به گردش در آمد**

و دیگر مطالب عملی خود، به تألیف و تدوین کتاب‌هایی به زبان عربی پرداختند و از این راه در پیشرفت علوم اسلامی سهم بزرگی به عهده گرفتند و زمینه را برای ظهور و پیدایش دانشمندان و اندیشمندان قرن چهارم و پنجم هجری فراهم ساختند.

**این فرآیند دانش پژوهی در جهان اسلام، در چه دوره‌ای به اوج بالندگی و بلوغ خود رسید و چه نتایجی را عاید محافل علمی مسلمان کرد؟**

باید بگویم که سده چهارم و پنجم هجری، دوران بلوغ دانش در تمدن اسلامی و ایرانی است و یکی از قرن‌های طلایی در تاریخ علم در جهان به شمار می‌رود، در این دوره حاصل رنج‌ها و کوشش‌های دانش‌پژوهان اسلامی سده دوم و سوم، به دست دانشمندان آن آمده است. این نهضت علمی و فرهنگی اسلامی، که ایرانیان در پی‌ریزی و پیدایی آن سهم بسزا دارند، باعث شد که مراکز علمی الجزیره، عراق و ایران نیز که از آغاز حکومت امویان دچار ضعف و فقرت شده بودند، فعالیت و جنبش خود را از سر بگیرند.

دانشمندان مراکز علمی قدیم به دربار خلافت روی آور دند و در زیر سایه بزرگداشت و نوازش خلفا، وزیران و ندیمان ایرانی آنان قرار گرفتند. بغداد جانشین مراکز علمی بزرگ خاورمیانه شد. به‌جای تألیفاتی که از آن پیش به سریانی بود، کتاب‌های معروف و پراجسی در علوم گوناگون به زبان عربی پدید آمدند و دوران جدیدی در تاریخ دانش جهان آغاز شد که از روشن‌ترین و درخشان‌ترین ادوار تاریخ علم شمره می‌شود.

**پادشاهان ایران در این دوره، نسبت به پیشرفت‌های علمی چه رویکردی داشتند و تا چه حد راه و‌مصلوبه آن‌را هموار می‌کردند؟**

پادشاهان ایرانی این عهد اغلب مردمانی دانشمند یا دانش‌دوست بودند و بیشتر وزیران آنها نیز مانند ابن عمید، صاحب‌بن عباد، ابوعلی سینا، بلعمی و جیهانی خود از چراغ‌های درخشنده علم و ادب در محرق محسوب می‌شدند. از وسایل و موجداتی که به پیشرفت علوم و سهولت کار و پژوهش دانشمندان و محققان تأثیر بسزایی داشته، وجود کتابخانه‌های بزرگ در ایران بوده است، مانند کتابخانه‌های عضدالدوله، ابن عمید، صاحب بن عباد که هر یک از آنها تأثیر شگرفی در پیشرفت علوم داشته‌اند. علاوه بر این، مدارس علمی که ایرانیان تأسیس کرده بودند مانند مدارس امل، مدرسه بیهقیه و چند مدرسه دیگر و نیز ظهور دانشمندان بزرگی چون ابونصر فارابی، زکریای رازی، ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی که آن مدارس در پی داشتند، دانش‌های نظری و تجربی را پیشرفت و رونق زایدالوصفی بخشیدند که نظیر آن پیشرفت علمی در سده‌های بعدی در جامعه ایران و عرب دیده نمی‌شود.

این دانشمندان که اغلب ایرانی هستند یا نژاد ایرانی دارند، در حقیقت سه قرن و مرز معینی محدود نیستند، بلکه نقطه ریاضیات گوناگون ملت‌های مشهور و آثار تمام دانشمندان ابوعلی سینا که در تمام ادوار تاریخ همه آثارش وجودشان در همه قرون و اعصار بر همه جوامع بشری نور انداخته و راه پژوهندگان و جویندگان علم و حقیقت را روشن کرده است، بزرگان از این گروه مانند ابونصر فارابی که او را در فلسفه تالی ارسطو دانسته و معلم دانی لقب داده‌اند.

محمدزکریای رازی که در طب جانشین جالینوس شناخته و به جالینوس اسلام ملقب شده است، ابوعلی سینا که در تمام ادوار تاریخ همه آثارش همیشه مورد توجه دانشمندان بوده است و تراز اول جهان قدیم، از هندوستان گرفته تا یونان و اسکندریه در دسترس علمای اسلام قرار گرفت و مسلمین از راه مطالعه و پژوهش در آن کتاب‌ها یا علوم یونانی، هندی، ایرانی و جز آنها آشنا شدند و آنها را در هم آمیختند و خود با مطالعه و مباحثه‌ها، پژوهش‌ها و تجربه‌ها، اصلاحاتی در آنها معمول داشتند و چیزهای تازه‌ای بدان افزودند و گروهی دیگر در قلمرو علوم ریاضی، نجوم، هندسه، طب

دانش دوست سلجوقی که در واقع دانشگاه‌های مسجزی بودند، نهضت بزرگی در کشورهای اسلامی پدید آورد و فرمانروایان، امرای سلجوقی، سایر بزرگان و دانش‌دوستان نیز به تقلید یا رقابت با خواجه نظام‌الملک مدارس دیگری را در اصفهان، نیشابور، مرو، گرگان، ری، همدان، یزد، کرمان و کاشان با کتابخانه‌های جامع و بزرگ برپا ساختند، مانند مدرسه‌ای که ملکشاه در اصفهان و تاج‌الدین ابوالغنائیم وزیر وی و المستنصر بالله خلیفه عباسی در بغداد تأسیس کردند. دانشمندان و پژوهشگرانی در این مدارس به تحصیل و تدریس اشتغال داشته‌از نام‌آوران علوم مختلف و معارف اسلامی و ایرانی بوده‌اند که امام محمد غزالی و برادرش امام احمد غزالی، شیخ شهاب‌الدین سهروردی، امام فخرالدین رازی و عمر خیام نیشابوری از آن جمله‌اند. در قرن هفتم و هشتم نیز در مسائل گوناگون علمی کتاب‌های باارزشی به دست نویسندگان، دانشمندان و پژوهشگران ایرانی تألیف می‌یابد که از میان آثار افضل‌الدین کاشانی، خواجه‌نصیر طوسی، شمس‌الدین جوینی صاحب دیوان و برادرش عظامک جوینی، جلال‌الدین مولوی، عارف، شاعر و فیلسوف نامدار در خور ذکر و ستایش است.

**ظاهراً حمله مغول به رغم ر کودی که بر محافل علمی ایران تحمیل کرد، اما نه تنها نتوانست آن محافل را متوقف کند، بلکه پس از چندی حکام مغول متأثر از روش خردمندانة علمای ایران و اسلام، به خدمت علم و توسعه آن در آمدند؟ این دوره چه فرآورده‌های علمی‌ای داشته و زمینه‌ساز کدامین جهش‌های علمی دیگر بوده است؟**

در دوره ایلخانان مغول مراکز علمی بی‌شماری در نقاط مختلف ایران به وجود می‌آید. خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی وزیر سازان و العیاطو که خود از دانشمندان زمان بود، مانند خواجه‌نظام‌الملک علاوه بر دانشگاه، کتابخانه و پژوهشگاهی که در ربیع رشیدی می‌سازد، در شهرهای دیگر نیز مانند یزد به فرمان او مدارس و مراکز علمی بزرگی بنا می‌کنند و موفقانی بدان‌ها اختصاص می‌یابد. برخی از ایلخانان، بزرگان و دانش‌دوستان نیز مراکز تحقیقاتی دیگری در شهرهای گوناگون بنیان می‌گذارند و شیراز، اصفهان و بغداد همچنان محل اجتماع دانشمندان و دانش‌پژوهان بود. خواجه نصیر خود دنباله کار دانشمندان پیشین را در تألیف

## درد

**ایرانی‌ها پیش از دوره ساسانی، بر اثر ارتباطی که از خاور و باختر با ملت‌های بزرگ و متمدن آن روز مانند هندوان، بابلیان و ملل آسیای صغیر یافته و اطلاعی که خود از گذشته‌های بسیار دور دارا بوده‌اند، در علوم گوناگون مانند ریاضی و موسیقی پیشرفت‌هایی داشته‌اند. حمله اسکندر به ایران و ادامه حکومت جانشینان او**

**وسیله‌ای برای آگاهی بیشتر ایرانیان از فرهنگ و تمدن یونانی می‌شود و دانشمندان ایرانی، مکتب سقراط، افلاطون و ارسطو را می‌شناسند**

کتاب در اقسام علوم فلسفی (جکمی) گرفت و در علوم ریاضی، موسیقی و نجوم به همکاری و تشویق دیگر پژوهشگران و دانشمندان می‌شتابید و به امر منکو قان برادر هلاکو و دستپاری دانشمندان و منجمان دیگر در سال ۵۷ق. رمدخانه مراغه را به وجود می‌آورد که مهم‌ترین مرکز تجمع دانشمندان و بی‌گمان از بزرگ‌ترین مراکز علمی سده‌های هفتم و هشتم بوده است. خواجه برای این رصدخانه اوقافی معین می‌سازد و در آن کتابخانه بزرگی پدید می‌آورد که شماره کتاب‌های آن را ۴۰۰ هزار جلد نامشمار می‌سازند. آرزوی کیم که در این مرز و بوم چراغ علم و خرد همواره روشن بماند و مردان دانش در جای‌جای آن حضوری مؤثر و فعال داشته باشند.

**پی‌نوشت‌ها:**

(۱) شاهنامه: ص ۴۱، ص ۲۳۸۶

(۲) گرشاسب‌نامه: ص ۴۴۳

(۳) کلیات سعدی، ص ۳۶۷

(۴) زمینه جامعه‌شناسی، صص ۱۲۰-۱۲۴